

April-May 2026, Volume 14, Issue 1

Structural Equation Modeling of the Relationship Between Dark Personality Traits and Body Dysmorphic Disorder in Instagram Users: The Mediating Role of Obsessive-Compulsive Symptoms and Perfectionism

Matin Tofangchi¹, Sina Gholami^{2*}, Hassan Ali Veiskarami³,
Abolfazl Chekaneh Bajestani⁴

1- Master of General Psychology, Department of Psychology, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

2- Master of Psychometrics, Department of Psychology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3- Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran.

4- Master of Clinical Psychology, Department of Psychology, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran.

Corresponding Author: Hassan Ali Veiskarami, Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran.

Email: veiskarami.h@lu.ac.ir

Received: 2026/02/7

Accepted: 2026/05/26

Abstract

Introduction: Instagram users are highly vulnerable to developing body dysmorphic disorder. Accordingly, the present study aimed to investigate the structural model of the relationship between dark personality traits and body dysmorphic disorder in Instagram users with the mediating role of obsessive-compulsive symptoms and perfectionism.

Methods: This research was a correlational study based on the structural equation modeling method. All students of Islamic Azad University, Central Tehran Branch, in the first semester of the academic year 2025-2026, who used Instagram for an average of more than 2 hours per day, constituted the statistical population of this study. Using the available sampling method, 327 of these students were selected and responded to the online form of the Yale-Brown Modified Obsessive-Compulsive Scale for Body Dysmorphic Disorder (1997), Jonason and Webster Dark Personality Traits Questionnaire (2010), Maudsley Obsessive-Compulsive Questionnaire (1980), and Hewitt and Feltt Multidimensional Perfectionism Questionnaire (1991). Data analysis was performed using the Pearson correlation coefficient and structural equation modeling. Data were analyzed using SPSS version 22 and AMOS version 22 software.

Results: The direct effect of dark personality traits on body dysmorphic disorder ($p < 0.05$, $\beta = 0.189$), obsessive-compulsive symptoms ($p < 0.05$, $\beta = 0.182$), and perfectionism ($p < 0.05$, $\beta = 0.180$) was positive and significant. Obsessive-compulsive symptoms had a positive and significant direct effect on body dysmorphic disorder ($p < 0.001$, $\beta = 0.226$), and perfectionism had a positive and significant direct effect on body dysmorphic disorder ($p < 0.01$, $\beta = 0.213$). For the relationship between dark personality traits and body dysmorphic disorder mediated by obsessive-compulsive symptoms, the indirect effect value was 0.18 ($p < 0.05$). Also, for the relationship between dark personality traits and body dysmorphic disorder mediated by perfectionism, the indirect effect value was calculated to be 0.15 ($p < 0.05$). Also, the model fit indices showed that the research model has a good fit.

Conclusion: In general, it can be concluded that dark personality traits affect body dysmorphic disorder in Instagram users through the mediation of obsessive-compulsive symptoms and perfectionism. In other words, an increase in dark personality traits leads to an increase in obsessive-compulsive symptoms and perfectionism, and this ultimately causes the appearance of body dysmorphic disorder symptoms in Instagram users.

Keywords: Body Dysmorphic Disorder, Dark Personality Traits, Instagram Users, Obsessive-Compulsive Symptoms, Perfectionism.

مدل سازی معادلات ساختاری رابطه صفات تاریک شخصیت با اختلال بدریخت انگاری بدن در کاربران اینستاگرام: نقش میانجی علائم وسواسی - جبری و کمال گرایی

متین تفنگچی^۱، سینا غلامی^{۲*}، حسنعلی ویس کریمی^۳، ابوالفضل چکنه بجستانی^۴

- ۱- کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، گروه روان شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.
 ۲- کارشناسی ارشد سنجش و اندازه گیری (روان سنجی)، گروه روان شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
 ۳- دانشیار گروه روان شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران.
 ۴- کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، گروه روان شناسی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران.

نویسنده مسئول: حسنعلی ویس کریمی، دانشیار گروه روان شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران.
 ایمیل: veiskarami.h@lu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۳/۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۱۸

چکیده

مقدمه: کاربران اینستاگرام آسیب پذیری بالایی در برابر ابتلا به اختلال بدریخت انگاری بدن دارند. بر همین اساس هدف از پژوهش حاضر مدل سازی معادلات ساختاری رابطه صفات تاریک شخصیت با اختلال بدریخت انگاری بدن در کاربران اینستاگرام با نقش میانجی علائم وسواسی - جبری و کمال گرایی بود.

روش کار: این پژوهش از نوع همبستگی و مبتنی بر روش مدل سازی معادلات ساختاری بود. کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز در نیم سال اول سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ که به طور میانگین روزانه بیشتر از ۲ ساعت از اینستاگرام استفاده می کردند، جامعه آماری این مطالعه را تشکیل می دادند. با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس، ۳۲۷ نفر از این دانشجویان انتخاب شدند و به فرم آنلاین مقیاس اصلاح شده وسواس فکری - عملی ییل - برآون برای اختلال بدریخت انگاری بدن (۱۹۹۷)، پرسشنامه صفات تاریک شخصیت جانسون و ویستر (۲۰۱۰)، پرسشنامه وسواس فکری - عملی مادزلی (۱۹۸۰) و پرسشنامه چندبعدی کمال گرایی هویت و فلت (۱۹۹۱) پاسخ دادند. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و مدل سازی معادلات ساختاری انجام شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ و نرم افزار AMOS نسخه ۲۲ تحلیل شدند.

یافته ها: اثر مستقیم صفات تاریک شخصیت بر اختلال بدریخت انگاری بدن ($\beta = 0/189, p < 0/05$)، علائم وسواسی - جبری ($\beta = 0/182, p < 0/05$) و کمال گرایی ($\beta = 0/180, p < 0/05$) مثبت و معنادار بود. علائم وسواسی - جبری بر اختلال بدریخت انگاری بدن ($\beta = 0/226, p < 0/001$) و کمال گرایی بر اختلال بدریخت انگاری بدن ($\beta = 0/213, p < 0/01$) اثر مستقیم مثبت و معناداری داشتند. برای رابطه صفات تاریک شخصیت با اختلال بدریخت انگاری بدن با میانجی گری علائم وسواسی - جبری، مقدار اثر غیرمستقیم $0/18$ به دست آمد ($p < 0/05$)، همچنین؛ برای رابطه صفات تاریک شخصیت با اختلال بدریخت انگاری بدن با میانجی گری کمال گرایی، مقدار اثر غیر مستقیم $0/15$ محاسبه شد ($p < 0/05$)، همچنین شاخص های برازش مدل نشان دادند که مدل پژوهش از برازش مطلوبی برخوردار است.

نتیجه گیری: به صورت کلی می توان نتیجه گرفت که صفات تاریک شخصیت با میانجی گری علائم وسواسی - جبری و کمال گرایی بر اختلال بدریخت انگاری بدنی در کاربران اینستاگرام تاثیر می گذارند. به بیان دیگر؛ افزایش صفات تاریک شخصیت منجر به افزایش علائم وسواسی - جبری و کمال گرایی شده و همین مسئله نهایتاً باعث بروز علائم اختلال بدریخت انگاری بدنی در کاربران اینستاگرام می گردد.

کلیدواژه ها: اختلال بدریخت انگاری بدن، اینستاگرام، صفات تاریک شخصیت، علائم وسواسی - جبری، کمال گرایی.

شبکه‌های اجتماعی دیجیتال، نظیر اینستاگرام، پلتفرم‌هایی هستند که امکان ارتباطات دوسویه و تولید محتوا را در مقیاس وسیع فراهم می‌کنند و نقش مهمی در شکل‌دهی به هویت اجتماعی و رفتار کاربران ایفا می‌نمایند (۱). به‌طور خاص، اینستاگرام به‌عنوان یک شبکه اجتماعی با تمرکز بر محتوای بصری و عکس‌محور، محیطی را برای نمایش زندگی، خودابرازی و دنبال کردن علایق بصری ایجاد کرده که بر هنجارها و انتظارات اجتماعی تأثیر بسزایی دارد (۲). کاربران اینستاگرام، که بر استانداردهای زیبایی آرمانی و غالباً غیرواقعی مبتنی بر فیلترها و ویرایش‌های دیجیتالی تأکید دارند، به‌طور مداوم در معرض مقایسه‌های اجتماعی صعودی (upward social comparison) با تصاویری قرار می‌گیرند که لزوماً منعکس‌کننده واقعیت نیستند (۳). این مسئله می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی نگرانی‌ها و نارضایتی از تصویر بدن را در افراد آسیب‌پذیر افزایش دهد، چرا که شکاف بین «خود واقعی» و «خود ایده‌آل» مشاهده شده در این پلتفرم‌ها بزرگ‌تر می‌شود (۴). در سطح تخصصی‌تر، این تعامل مکرر با محتوای زیبایی‌شناختی آرمان‌گرا به‌عنوان یک عامل خطر محیطی عمل کرده و می‌تواند باعث تحریک یا تشدید علائم اختلال بدریخت‌انگاری بدن (Body Dysmorphic Disorder-BDD) شود (۵). بدریخت‌انگاری بدنی یک اختلال روان‌شناختی با ویژگی‌های وسواس فکری-عملی است که با اشتغال ذهنی مفرط، مداوم و ناکارآمد نسبت به یک نقص فرضی یا جزئی در ظاهر مشخص می‌شود. در این اختلال فرد خود را زشت، غیرجذاب، ناپه‌نجمار و بدشکل می‌داند (۶). این مشغولیت‌های ذهنی ممکن است در بخش‌های مختلف بدن مانند بینی، مو، پوست و... بروز کنند. این تفکرات؛ مزاحم، ناخواسته و وقت‌گیرند و کنترل این تفکرات و مقابله با آنان برای فرد مشکل است. فرد مبتلا اعمال تکراری بیش از حدی (همچون بررسی بیش از اندازه خود در آینه، آرایش زیاد، استتار کردن، جراحی زیبایی و...) را در واکنش به این مشغولیت‌های ذهنی دارد و برای انجام این اعمال احساس اجبار می‌کند (۷). به‌طور خاص، پدیده‌ای مانند «بدریخت‌انگاری اسنپ‌چت» (Snapchat Dysmorphia) نمونه‌ای از این ارتباط است که در آن، افراد به دنبال جراحی‌های زیبایی هستند تا شبیه نسخه‌های فیلتر شده و تغییر یافته خود در اپلیکیشن‌ها شوند، که این خود نشان‌دهنده درگیری وسواس‌گونه نسبت به چهره و بدن است که هسته اصلی اختلال بدریخت‌انگاری بدنی را تشکیل می‌دهد (۸). در

نتیجه، اینستاگرام می‌تواند به تقویت چرخه‌های واریسی، مقایسه و اجتناب که علائم اصلی بدریخت‌انگاری بدنی هستند، دامن بزند و سلامت روانی کاربران را به خطر اندازد (۲،۴).

مطالعات مختلف نشان داده‌اند که در سبب شناسی اختلال بدریخت‌انگاری بدن عوامل متفاوت روانی، محیطی و ژنتیکی نقش ایفا می‌کنند (۷). یکی از عوامل روان‌شناختی مهم و موثر در بروز اختلال بدریخت‌انگاری بدن ویژگی‌های شخصیتی هستند (۹).

شخصیت به الگوی ثابت و منحصر به فردی از افکار، احساسات و رفتارهایی اطلاق می‌شود که نحوه تعامل فرد با جهان و سازگاری با محیط را تعیین می‌کند (۱۰). این ساختار درونی می‌تواند شامل ابعاد مثبت و منفی باشد. ابعاد منفی شخصیت تحت عنوان صفات تاریک شخصیت (dark personality traits) شناخته می‌شوند و نمایانگر ابعاد نامطلوب و بعضاً آسیب‌زای فردیت هستند. صفات تاریک شخصیت شامل یک مجموعه همپوشان از ویژگی‌های شخصیتی هستند که با خودخواهی، فقدان همدلی، جهت‌گیری بدخواهانه میان‌فردی و تمایل به بهره‌برداری از دیگران مشخص می‌شوند (۱۱). این صفات اغلب به صورت سه‌گانه تاریک تعریف می‌شوند که شامل سه بعد اصلی است: ماکیاویلیسم (Machiavellianism): تمایل به فریب دیگران و فقدان اخلاق در جهت رسیدن منافع شخصی (۱۲). ناریسیسم (Narcissism): خودشیفتگی افراطی، احساس بزرگ‌منشی، نیاز به تحسین و خودمحوری. سایکوپاتی (Psychopathy): بی‌رحمی، تکانشگری، فقدان پشیمانی و بی‌توجهی به حقوق دیگران (۱۳). این صفات در محیط‌های میان‌فردی و اجتماعی، اثرات مخربی دارند و پیش‌بینی‌کننده رفتارهای غیراخلاقی و پرخاشگرانه می‌باشند (۱۴).

علاوه بر صفات شخصیتی که پیش‌بینی‌کننده بدریخت‌انگاری بدنی هستند، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که علائم وسواسی-جبری با اختلال بدریخت‌انگاری بدن همپوشانی بالایی دارند (۱۵)، به طوری که اختلال بدریخت‌انگاری بدن در DSM-5-TR دسته اختلال وسواسی-جبری (Obsessive-Compulsive Disorder - OCD) قرار دارد (۷). همچنین علائم وسواسی-جبری نیز با صفات تاریک شخصیت در ارتباط هستند (۱۶). در واقع به نظر می‌رسد که علائم وسواسی-جبری در رابطه میان صفات تاریک شخصیت و اختلال بدریخت‌انگاری بدن نقش میانجی داشته باشند.

اختلال وسواسی-جبری یک اختلال روان‌شناختی است که ماهیت اصلی آن با حضور وسواس‌های فکری (obsessions) و اعمال جبری (compulsions) تعریف می‌شود. وسواس‌های فکری؛ افکار، امیال و تصاویر ناخواسته و مزاحمی هستند که به صورت مکرر و پایدار در ذهن فرد ظاهر شده و اغلب اضطراب یا پریشانی شدیدی ایجاد می‌کنند (۷). اعمال جبری، رفتارهای تکراری یا اعمال ذهنی هستند که فرد احساس می‌کند برای کاهش اضطراب ناشی از افکار وسواسی باید آن‌ها را انجام دهد، هرچند این اعمال اغلب غیرمنطقی یا افراطی هستند (۱۷). ماهیت این اختلال، ایجاد یک چرخه مداوم از اضطراب ناشی از فکر و تلاش برای خنثی‌سازی آن اضطراب از طریق عمل است (۱۸). در اختلال بدریخت‌انگاری بدن اشتغال ذهنی مکرر و شدید درباره‌ی نقص فرضی در ظاهر، مثلاً فکر «بینی من کاملاً کج و زشت است و همه متوجه آن می‌شوند» فکر وسواسی به شمار می‌رود. از سوی دیگر؛ صرف کردن ساعت‌ها در مقابل آینه برای واریسی دقیق نقص یا تلاش مفرط برای پنهان کردن آن با آرایش یا لباس (مانند پوشیدن دائمی کلاه یا استفاده افراطی از فیلتر در عکس‌ها) اعمال وسواسی هستند (۱۵).

افزون بر این؛ کمال‌گرایی (perfectionism) نیز هم در پیش‌بینی اختلال بدریخت‌انگاری بدنی نقش دارد (۱۹) و هم تحت تاثیر صفات تاریک شخصیت است (۲۰). به عبارتی؛ احتمال می‌رود کمال‌گرایی نیز در رابطه میان صفات تاریک شخصیت و بدریخت‌انگاری بدنی نقش میانجی داشته باشد.

کمال‌گرایی یک ویژگی شخصیتی است که با تلاش برای بی‌عیب و نقص بودن، تعیین استانداردهای عملکردی فوق‌العاده بالا و تمایل به ارزیابی بیش از حد انتقادی از عملکرد خود مشخص می‌شود (۲۱). این ویژگی می‌تواند شامل دو بُعد اصلی باشد: کمال‌گرایی سازگار (adaptive) که محرک پیشرفت است، و کمال‌گرایی ناسازگار (maladaptive) که با ترس شدید از شکست و نگرانی مفرط در مورد انتظارات دیگران همراه است (۲۲). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که بُعد ناسازگار این ویژگی با افزایش آسیب‌پذیری نسبت به اختلالات اضطرابی و افسردگی مرتبط است، زیرا فرد هرگز نمی‌تواند استانداردهای غیرواقعی خود را برآورده سازد و همواره احساس نقص می‌کند (۲۳). کمال‌گرایی ناسازگار با تقویت نیاز به داشتن ظاهری بی‌عیب و نقص، آسیب‌پذیری فرد را نسبت به ابتلا به اختلال بدریخت‌انگاری بدن به طور قابل توجهی

افزایش می‌دهد (۲۴).

پژوهش‌های مختلف رابطه میان کمال‌گرایی با اختلال بدریخت‌انگاری بدن را بررسی و مورد تایید قرار داده‌اند (۱۹ و ۲۴). همچنین رابطه مثبت کمال‌گرایی با صفات تاریک شخصیت تایید شده است (۲۰ و ۲۵). افزون بر این؛ مطالعات Tolan (۱۶) و Takahashi و Zhang (۲۶) بر رابطه مثبت میان صفات ناسازگار شخصیت و علائم اختلال وسواسی-جبری تاکید کرده‌اند. رابطه نزدیک و همپوشانی میان علائم اختلال وسواسی-جبری و اختلال بدریخت‌انگاری بدن نیز در مطالعات Malcolm و همکاران (۱۵) و Rieder و Sun (۲۷) و همچنین در منابع آسیب‌شناسی بالینی (۷) مورد بررسی و تایید قرار گرفته است. در نهایت؛ دستاویز همکاران (۹) از رابطه میان ویژگی‌های شخصیتی با اختلال بدریخت‌انگاری بدن پرده برداشته‌اند.

با وجود این که رابطه میان متغیرهای مذکور در مطالعات مختلف تایید شده است، اما هیچ مطالعه‌ای در قالب یک مدل ساختاری به بررسی رابطه میان صفات تاریک شخصیت با اختلال بدریخت‌انگاری بدن با در نظر گرفتن نقش میانجی علائم وسواسی-جبری و کمال‌گرایی نپرداخته است، در نتیجه این پژوهش از حیث موضوعی مطالعه‌ای نوین به شمار می‌رود. علاوه بر این؛ بررسی این مدل ساختاری در نمونه‌ای از کاربران اینستاگرام که آسیب‌پذیری نسبتاً بالایی در ابتلا به اختلال بدریخت‌انگاری بدن دارند (۵)، جنبه دیگری از جدید بودن این مطالعه را نشان می‌دهد.

این پژوهش از منظر بالینی و اجتماعی اهمیت بسزایی دارد، زیرا به طور یکپارچه به بررسی چگونگی تأثیر ویژگی‌های شخصیتی آسیب‌زا (صفات تاریک) بر آسیب‌شناسی روان‌شناختی در محیط‌های آنلاین می‌پردازد. مدل‌سازی معادلات ساختاری در این مطالعه به ما این امکان را می‌دهد که نه تنها ارتباط مستقیم صفات تاریک با اختلال بدریخت‌انگاری بدن را در کاربران اینستاگرام شناسایی کنیم، بلکه مسیرهای پیچیده و مکانیسم‌های روان‌شناختی دخیل (نقش میانجی کمال‌گرایی و علائم وسواسی-جبری) را نیز روشن سازیم. این درک عمیق از عوامل زمینه‌ساز و واسطه‌ای می‌تواند منجر به طراحی مداخلات پیشگیرانه و درمانی هدفمندتر برای محافظت از کاربران آسیب‌پذیر در برابر آسیب‌های ناشی از شبکه‌های اجتماعی شود و به غنی‌سازی ادبیات نظری در حوزه روان‌شناسی و آسیب‌شناسی دیجیتال کمک کند. بر همین اساس؛ هدف از پژوهش حاضر مدل‌سازی معادلات ساختاری رابطه

متین تفنگچی و همکاران

می‌گیرد، بنابراین اطلاعات آنها در اختیار هیچ مرکزی قرار داده نخواهد شد و محرمانه خواهد ماند. شرکت‌کنندگان به صورت کاملاً داوطلبانه در پژوهش شرکت کردند و تکمیل پرسشنامه‌ها با رضایت خود شرکت‌کنندگان انجام پذیرفت. در نتیجه؛ پس از ارائه توضیحات اولیه در لینک پرسشنامه‌ها، شرکت‌کنندگان رضایت‌نامه‌ای آنلاین برای حضور داوطلبانه و آگاهانه در پژوهش پر کردند. از سوی دیگر جهت رعایت موازین اخلاقی و حفظ اطلاعات شخصی در مراحل جمع‌آوری داده‌ها؛ اسامی آزمودنی‌ها درخواست نشد و به هر آزمودنی یک کد اختصاص داده شد. در نهایت از میان ۳۵۰ پرسشنامه به دست آمده از اجرای اینترنتی، ۲۳ پرسشنامه ناقص کنار گذاشته شد و تحلیل داده‌ها با ۳۲۷ پرسشنامه انجام شد.

مقیاس اصلاح شده وسواس فکری - عملی Yale-Brown برای اختلال بدریخت‌انگاری بدن (۲۹): این ابزار نسخه اصلاح شده مقیاس وسواس فکری عملی Yale-Brown (۳۰ و ۳۱) می‌باشد که توسط Phillips و همکاران در سال ۱۹۹۷ برای سنجش اختلال بدریخت‌انگاری بدن ساخته شد. (۲۹). Phillips و همکاران (۲۹) در بررسی‌های خود سه عامل وسواس فکری (سوالات ۱ تا ۵)، وسواس عملی (سوالات ۶ تا ۱۰) و بینش و اجتناب یا پرهیز (سوالات ۱۱ و ۱۲) که جمعاً ۱۲ پرسش می‌شد را به دست آوردند. پاسخ‌دهندگان میزان توافقشان را با هر یک از گویه‌ها در یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای نشان می‌دهند که هر گویه از ۰ تا ۴ نمره‌گذاری می‌شود. حداقل نمره صفر و حداکثر آن ۴۸ می‌باشد و نمرات بالاتر بیانگر بدریخت‌انگاری بدنی بیشتر است.

Phillips و همکاران (۲۹) پایایی بازآزمایی با فاصله یک هفته برابر با ۰/۸۸ و ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۰ را به دست آوردند و در تحلیل عاملی ساختار سه عاملی این پرسشنامه را مورد تایید قرار دادند. در ایران غلامی و همکاران (۶) با استفاده از تحلیل عاملی تاییدی ساختار سه عاملی این پرسشنامه را تایید کردند. روایی همزمان پرسشنامه که حاکی از همبستگی مثبت مقیاس اصلاح شده وسواس فکری عملی ییل - براون برای اختلال بدریخت‌انگاری بدن با نگرانی از بدشکلی بدن، نظارت بدن و شرم بدن و همبستگی منفی آن با عزت نفس بود، مطلوب به نظر می‌رسید (۶). ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه در مطالعه غلامی و همکاران (۶) برابر با ۰/۹۵ به دست آمد. پرسشنامه صفات تاریک شخصیت Jonason و Webster (۳۲): پرسشنامه صفات تاریک شخصیت به وسیله Jonason

صفات تاریک شخصیت با اختلال بدریخت‌انگاری بدن در کاربران اینستاگرام با نقش میانجی علائم وسواسی - جبری و کمال‌گرایی بود.

روش کار

این پژوهش از نوع همبستگی و مبتنی بر روش مدل‌سازی معادلات ساختاری بود. کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز در نیم‌سال اول سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴ که به طور میانگین روزانه بیشتر از ۲ ساعت از اینستاگرام استفاده می‌کردند، جامعه آماری این مطالعه را تشکیل می‌دادند.

بر اساس دیدگاه Kline (۲۸) حجم نمونه لازم برای مدل‌سازی معادلات ساختاری تقریباً سه برابر تعداد گویه‌های کلیه ابزارهای به کار رفته در پژوهش می‌باشد. تعداد کل گویه‌های ابزارهای این تحقیق برابر ۸۴ می‌باشد (۲۵۲=۳×۸۴). در نتیجه نمونه‌ای ۲۵۲ نفری برای این پژوهش مناسب قلمداد می‌شود. با در نظر گرفتن ریزش پرسشنامه‌ها و در جهت تعمیم‌پذیری بیشتر نتایج، نمونه‌ای ۳۵۰ نفری با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد.

معیارهای ورود به پژوهش عبارت بودند از: ۱- به طور میانگین استفاده روزانه بیش از ۲ ساعت از اینستاگرام. ۲- عدم استفاده از داروهای روان‌گردان (بر اساس خوداظهاری). معیارهای خروج از پژوهش عبارت بودند از: ۱- عدم رضایت برای شرکت در پژوهش. ۲- پاسخ ندادن به بیش از ۵۰ درصد از سوال‌ها.

با توجه به این که جامعه و نمونه این مطالعه متشکل از دانشجویان فعال در اینستاگرام بود، داده‌ها به صورت اینترنتی گردآوری شدند، به علت اینکه روش گردآوری داده‌ها به صورت اینترنتی دسترسی راحت‌تری به اعضای تشکیل دهنده این نمونه می‌داد. به این ترتیب که در سایت ارائه پرسشنامه آنلاین اول فرم، پرسشنامه‌ها به شکل آنلاین طراحی شدند و لینکی شامل مجموعه‌ای از پرسشنامه‌های تحقیق از طریق شبکه‌های مجازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (واتساپ، تلگرام، اینستاگرام، ایتا و ایگپ) در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت.

این مطالعه با اخذ تاییدیه کمیته اخلاق با کد IR.IAU.CTB.REC.1404.05 از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی انجام شد. همچنین؛ در این پژوهش جهت رعایت موازین اخلاقی ابتدا به شرکت‌کنندگان گفته شد که این طرح صرفاً برای انجام کار پژوهشی صورت

پرسشنامه چندبعدی کمال‌گرایی Hewitt و Flett (۳۷): مقیاس چندبعدی کمال‌گرایی پرسشنامه‌ای است که در سال ۱۹۹۱ توسط Hewitt و Flett ساخته شده است. این مقیاس یک آزمون ۳۰ سوالی است که ده ماده اول آن کمال‌گرایی خویشتن دار، ده ماده دوم کمال‌گرایی دیگرمدار و ده ماده آخر کمال‌گرایی جامعه مدار را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. گستره پاسخ‌ها در مقیاس لیکرت ۱ تا ۵ قرار می‌گیرد. حداقل نمره و حداکثر نمره پرسشنامه به ترتیب ۳۰ و ۱۵۰ است و نمرات بالاتر کمال‌گرایی بیشتر را نشان می‌دهد (۳۷). روایی و پایایی نسخه اصلی این پرسشنامه در مطالعه Hewitt و Flett (۳۷) بررسی و تایید شده است. در جهت بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس کمال‌گرایی در ایران ضرایب همبستگی بین نمرات آزمودنی‌ها را در دو مرحله و با فاصله چهار هفته برای زیر مؤلفه کمال‌گرایی خود مدار ۰/۸۵، دیگر مدار ۰/۷۹ و جامعه مدار ۰/۸۴ گزارش کرده‌اند. همچنین برای سنجش همسانی درونی نمرات آزمودنی‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده که برای هر یک از زیر مؤلفه‌های کمال‌گرایی خودمدار، دیگر مدار و جامعه مدار به ترتیب برابر با ۰/۹۰، ۰/۹۱ و ۰/۸۱ بود. این ضرایب حاکی از همسانی درونی و پایایی رضایت بخش مقیاس کمال‌گرایی در جامعه ایران است (۳۸). روایی همزمان مقیاس کمال‌گرایی چندبعدی از طریق محاسبه همبستگی با مقیاس مشکلات بین شخصی $r=0/47$ ، $P<0/01$ و زیر مقیاس‌های نوروگرایی $r=0/25$ ، $P<0/01$ و برونگرایی $r=-0/21$ ، $P<0/01$ مقیاس شخصیتی نشو به دست آمد (۳۹).

تجزیه و تحلیل داده‌ها: تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام شد. در سطح توصیفی از شاخص‌های آماری توصیفی مانند میانگین، انحراف استاندارد، کجی و کشیدگی استفاده شد. در سطح استنباطی از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی همبستگی بین متغیرهای پژوهش بهره گرفته شد. همچنین؛ بررسی مدل مفهومی با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام شد. آزمون میانجی نیز با روش بوت استرپینگ تحلیل شد. داده‌ها در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ و با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ و نرم افزار AMOS نسخه ۲۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها

در این بخش؛ نخست به بررسی مسائل جمعیت شناختی می‌پردازیم. از میان کلیه افراد شرکت کننده در پژوهش

Webster (۳۲) در سال ۲۰۱۰ تدوین شده و دارای ۱۲ ماده است که ۳ صفت تاریک ماکیاولیسم، سایکوپاتی و خودشیفتگی را مورد سنجش قرار می‌دهد. سوالات شماره ۱ تا ۴ شخصیت خودشیفته، ماده های ۵ تا ۸ شخصیت سایکوپاتی و ۹ تا ۱۲ شخصیت ماکیاولیسم را می‌سنجند. آزمودنی‌ها به سوالات این آزمون در مقیاس لیکرت ۳ نقطه‌ای از ۱ (اصلاً مرا توصیف نمی‌کند) تا ۳ (کاملاً مرا توصیف می‌کند) پاسخ می‌دهند که نمره بالا نشان دهنده بیشتر بودن آن صفت در فرد است. همچنین با جمع نمرات کل سوالات نمره کلی صفات تاریک شخصیت به دست می‌آید که بین ۱۲ تا ۳۶ است. نمرات بالاتر بیانگر بیشتر بودن میزان صفات تاریک شخصیت در فرد می‌باشد. ضریب همسانی درونی این مقیاس در نسخه اصلی ۰/۸۳ به دست آمد. همچنین پایایی این پرسشنامه از طریق ضریب بازآزمایی ۰/۷۶ تا ۰/۸۷ را نشان داد (۳۲). این مقیاس در ایران توسط قمرانی و همکاران (۳۳) اعتباریابی شده است. تحلیل عاملی این مطالعه ۳ عامل ماکیاولیستی، سایکوپاتی و خودشیفتگی را نشان داد که در مجموع ۶۳/۳۰ درصد واریانس شخصیت تاریک را تبیین می‌کردند. همچنین ضرایب آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس ماکیاولیستی، سایکوپاتی و خودشیفتگی و نمره کل به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۴۰، ۰/۶۸ و ۰/۸۱ بدست آمده است (۳۳).

پرسشنامه وسواس فکری- عملی Maudsley (۳۴): این پرسشنامه توسط Hodgson و Rachman (۳۴) در سال ۱۹۸۰ به منظور پژوهش در حیطه مشکلات وسواسی تهیه شده است. پرسشنامه مذکور شامل ۳۰ ماده به صورت درست و غلط است و هر پاسخی که با کلید همخوانی دارد نمره یک دریافت می‌کند و در غیر این صورت نمره آن صفر است. کمترین نمره این پرسشنامه برابر با صفر و بیشترین نمره آن برابر با ۳۰ می‌باشد و نمرات بالاتر نشان دهنده وسواس فکری- عملی بیشتر است. در واقع این پرسشنامه طوری طراحی شده است که یک فرد کاملاً وسواس به نیمی از سوالات پاسخ مثبت و به نیم دیگر سوالات پاسخ منفی می‌دهد. این پرسشنامه چهار خرده مقیاس دارد که عبارت اند از: وسواس بازبینی، وسواس تمیزی، وسواس کندی- تکرار و شک وسواسی (۳۴). Rachman و همکاران در سال ۱۹۸۰ پایایی بازآزمایی این پرسشنامه را برابر با ۰/۸۹ گزارش نمودند (۳۵). در ایران پایایی کل آزمون برابر با ۰/۸۴ و روایی همگرای آن با محاسبه همبستگی نمره کل پرسشنامه با مقیاس وسواس فکری- عملی Yale-Brown برابر با ۰/۸۷ گزارش شد (۳۶).

متین تفنگچی و همکاران

شرکت کنندگان بین ۱۹ تا ۳۶ سال بود (میانگین سن: ۲۲/۸۴، انحراف استاندارد سن: ۲/۳۷). علاوه بر این؛ میانگین روزانه استفاده شرکت کنندگان از شبکه اجتماعی اینستاگرام برابر با ۳ ساعت و ۱۴ دقیقه بود. پس از مسائل جمعیت شناختی به بررسی شاخص‌های آماری توصیفی متغیرهای پژوهش و همبستگی بین متغیرهای پژوهش می‌پردازیم. نتایج این بررسی در جدول ۱ گزارش شده است.

حاضر (۳۲۷ نفر)، تعداد ۱۸۹ نفر (۵۷/۸ درصد) دختر و ۱۳۸ نفر (۴۲/۲ درصد) پسر بودند. همچنین از میان کلیه آزمودنی‌های این مطالعه (۳۲۷ نفر)، تعداد ۲۷۴ نفر (۸۳/۸ درصد) مجرد و ۵۳ نفر (۱۶/۲ درصد) متاهل بودند. افزون بر این؛ از بین کلیه شرکت کنندگان، تعداد ۲۵۱ نفر (۷۶/۸ درصد) دانشجوی مقطع کارشناسی، تعداد ۶۷ نفر (۲۰/۵ درصد) دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد و تعداد ۹ نفر (۲/۷ درصد) دانشجوی مقطع دکتری بودند. رنج سنی

جدول ۱. شاخص‌های آمار توصیفی و همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴
۱- اختلال بد ریخت انگاری بدن				
۲- صفات تاریک شخصیت	۰/۳۸۴**	۱		
۳- علائم وسواسی - جبری	۰/۵۳۳**	۰/۳۱۱**	۱	
۴- کمال گرایی	۰/۴۱۷**	۰/۳۰۷**	۰/۴۵۶**	۱
میانگین	۲۶/۵۹	۲۴/۵۱	۱۴/۸۹	۸۴/۶۴
انحراف استاندارد	۴/۱۷	۳/۶۶	۲/۹۴	۸/۲۳
کجی	-۰/۲۷۹	-۰/۰۸۵	۰/۰۱۴	-۰/۱۶۰
کشیدگی	-۰/۳۰۴	-۰/۱۹۹	-۰/۱۰۵	-۰/۲۲۶

N=۳۲۷ ** p<۰/۰۱

سازگاری مدل پیشنهادی پژوهش با عنوان «رابطه ساختاری صفات تاریک شخصیت با اختلال بد ریخت انگاری بدن در کاربران اینستاگرام با نقش میانجی علائم وسواسی - جبری و کمال گرایی» با داده‌های گردآوری شده مورد آزمون قرار گرفت. شاخص‌های برازش مدل در جدول ۲ گزارش شده‌اند.

بر اساس جدول ۱؛ کجی و کشیدگی متغیرهای تحقیق در دامنه نرمال و مطلوب کوچکتر از ۱/۹۶+ و بزرگتر از ۱/۹۶- قرار داشت. بر همین اساس؛ نتیجه گرفته شد که داده‌های پژوهش از بهنجاری کافی برخوردارند. همچنین جدول ۱ نشان می‌دهد که کلیه متغیرهای تحقیق همبستگی مثبت قوی (بالتر از ۰/۳) و معناداری با یکدیگر دارند. با توجه به همبستگی مطلوب میان متغیرهای پژوهش؛

جدول ۲. شاخص‌های برازش مدل

نام شاخص	مقادیر قابل قبول	برآوردهای مدل	نتیجه
X ² /DF	کمتر از ۳	۱/۸۵	قبول
RMSEA	کمتر از ۰/۰۸	۰/۰۷۲	قبول
PNFI	بیشتر از ۰/۶	۰/۷۶	قبول
GFI	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۳	قبول
AGFI	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۱	قبول
IFI	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۲	قبول
CFI	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۳	قبول
NFI	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۰	نسبتاً قابل قبول

در سطح قابل قبول کمتر از ۰/۰۸ قرار داد. همچنین مقادیر شاخص‌های GFI، AGFI، IFI و CFI در سطح مطلوب ۰/۹۳، ۰/۹۱، ۰/۹۲ و ۰/۹۳ (یعنی بالاتر از ۰/۹) قرار دارند. مقدار

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، شاخص X²/DF برابر با ۱/۸۵ می‌باشد که در سطح مطلوب کمتر از ۳ است. شاخص RMSEA برابر با ۰/۰۷۲ می‌باشد که

برازندگی مناسبی با داده‌های گردآوری شده دارد. در ادامه؛ ضرایب استاندارد مسیرهای مستقیم مدل بررسی شدند. اثرات مستقیم در جدول ۳ و مدل برازش شده پژوهش در شکل ۱ قابل مشاهده‌اند.

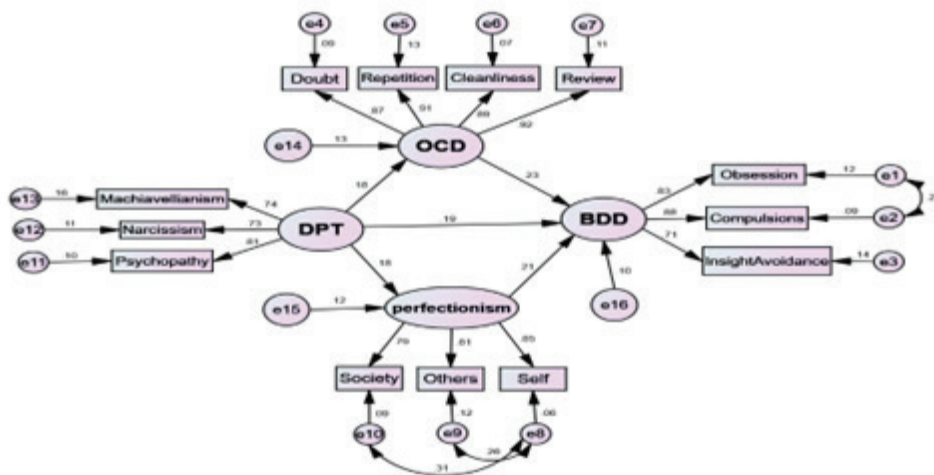
شاخص NFI که باید بیشتر از ۰/۹ باشد برابر با همان ۰/۹ محاسبه گردید که با اقصای قابل قبول است. مقدار شاخص PNFI که باید بیشتر از ۰/۶ باشد، در مدل حاضر ۰/۷۶ به دست آمد. در مجموع؛ مطلوب بودن شاخص‌های برازش مدل نشان می‌دهد که مدل پژوهش حاضر

جدول ۳. برآورد اثرات مستقیم مدل

نسبت بحرانی	خطای استاندارد	معناداری آماری	ضرایب رگرسیونی استاندارد	مسیر مستقیم
۱۳/۰۳۹	۰/۰۹۸	۰/۰۵	۰/۱۸۹	صفات تاریک شخصیت ← اختلال بدریخت انگاری بدن
۱۱/۸۴۰	۰/۱۰۱	۰/۰۵	۰/۱۸۲	صفات تاریک شخصیت ← علائم و سواسی- جبری
۱۰/۳۴۵	۰/۱۱۲	۰/۰۵	۰/۱۸۰	صفات تاریک شخصیت ← کمال گرایی
۱۶/۳۲۲	۰/۰۶۷	۰/۰۰۱	۰/۲۲۶	علائم و سواسی- جبری ← اختلال بدریخت انگاری بدن
۱۴/۱۴۷	۰/۰۸۹	۰/۰۱	۰/۲۱۳	کمال گرایی ← اختلال بدریخت انگاری بدن

مثبت و معنادار بود ($\beta=0.180, p<0.05$). لازم به ذکر است که؛ علائم و سواسی- جبری بر اختلال بدریخت انگاری بدن، اثر مستقیم مثبت و معنادار ($\beta=0.226, p<0.001$) و کمال گرایی بر اختلال بدریخت انگاری بدن، اثر مستقیم مثبت و معناداری ($\beta=0.213, p<0.01$) داشتند.

با توجه به نتایج جدول شماره ۳؛ اثر مستقیم صفات تاریک شخصیت بر اختلال بدریخت انگاری بدن، مثبت و معنادار بود ($\beta=0.189, p<0.05$). همچنین؛ اثر مستقیم صفات تاریک شخصیت بر علائم و سواسی- جبری، مثبت و معنادار بود ($\beta=0.182, p<0.05$). علاوه بر این؛ اثر مستقیم صفات تاریک شخصیت بر کمال گرایی نیز،



شکل ۱. مدل ساختاری برازش شده پژوهش در تبیین رابطه ساختاری صفات تاریک شخصیت با اختلال بدریخت انگاری بدن در کاربران اینستاگرام با نقش میانجی علائم و سواسی- جبری و کمال گرایی

اختلال بدریخت انگاری بدن در کاربران اینستاگرام در جدول ۴ گزارش شده است.

نتایج روش بوت استرپینگ برای تعیین معناداری روابط غیر مستقیم یعنی نقش میانجی علائم و سواسی- جبری و کمال گرایی در رابطه میان صفات تاریک شخصیت با

جدول ۴. نتایج روش بوت استرایپینگ برای اثرات میانجی و غیر مستقیم

مسیر غیرمستقیم	اثر غیرمستقیم	معناداری آماری	حد بالا	حد پایین
صفات تاریک شخصیت ← علائم وسواسی-جبری ← اختلال بدریخت انگاری بدن	۰/۱۷۹	۰/۰۵	۰/۰۸۰	۰/۱۹۶
صفات تاریک شخصیت ← کمال‌گرایی ← اختلال بدریخت انگاری بدن	۰/۱۵۲	۰/۰۵	۰/۰۹۵	۰/۱۶۳

بر اساس نتایج به دست آمده از جدول ۴، برای رابطه صفات تاریک شخصیت با اختلال بدریخت انگاری بدن با میانجی‌گری علائم وسواسی-جبری، مقدار اثر غیرمستقیم ۰/۱۸ به دست آمد که با توجه به مقدار احتمال کمتر از ۰/۰۵ معنادار بود. همچنین؛ برای رابطه صفات تاریک شخصیت با اختلال بدریخت انگاری بدن با میانجی‌گری کمال‌گرایی، مقدار اثر غیر مستقیم ۰/۱۵ به دست آمد که با توجه به مقدار احتمال کمتر از ۰/۵ معنادار بود. بنابراین نقش میانجی علائم وسواسی-جبری و کمال‌گرایی در رابطه میان صفات تاریک شخصیت و اختلال بدریخت انگاری بدن معنادار بود. در کل می‌توان نتیجه گرفت که مدل ساختاری رابطه صفات تاریک شخصیت با اختلال بدریخت انگاری بدن در کاربران اینستاگرام با نقش میانجی علائم وسواسی-جبری و کمال‌گرایی، مورد تایید قرار می‌گیرد.

بحث

هدف از پژوهش حاضر مدل‌سازی معادلات ساختاری رابطه صفات تاریک شخصیت با اختلال بدریخت انگاری بدن در کاربران اینستاگرام با نقش میانجی علائم وسواسی-جبری و کمال‌گرایی بود.

یافته‌ها نشان داد که صفات تاریک شخصیت با میانجی‌گری علائم وسواسی-جبری بر اختلال بدریخت انگاری بدن در کاربران اینستاگرام تاثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر؛ افزایش صفات تاریک شخصیت منجر به افزایش علائم وسواسی-جبری شده و همین مسئله باعث بیشتر شدن بدریخت انگاری بدنی در کاربران اینستاگرام می‌شود. این یافته با نتایج مطالعات Tolan (۱۶)، Zhang و Takahashi (۲۶)، Malcolm و همکاران (۱۵)، Sun و Rieder (۲۷) و دستباز و همکاران (۹) همسویی دارد. این مطالعات نیز همراستا با مطالعه حاضر دریافته‌اند که ویژگی‌های شخصیتی ناسازگارانه، علائم وسواسی-جبری و بدریخت انگاری بدنی سازه‌هایی هستند که با یکدیگر رابطه تنگاتنگی دارند.

در راستای تحلیل و تبیین این یافته پژوهش و همسو با مطالعه Tolan (۱۶) می‌توان بیان کرد که؛ صفات تاریک شخصیت، از طریق ماهیت استثمارگر، خودمحور و فاقد

همدلی خود، می‌توانند به شکل‌های خاصی از رفتارهای ناسازگار منجر شوند که با علائم وسواسی-جبری هم‌پوشانی دارند. برای مثال، بُعد نارسیسیسم با نیاز مفرط به کمال و تأیید بیرونی، و بُعد سایکوپاتی با تکانشگری، می‌توانند به شکل افکار و رفتارهای تکراری و اضطراب‌آور بروز کنند؛ به این صورت که فرد برای کنترل محیط اجتماعی و حفظ تصویر بزرگ‌منشانه خود در فضای آنلاین، به صورت اجباری دست به اعمال تکراری (نظیر واریسی دائمی کامنت‌ها یا ویرایش وسواسی تصاویر) می‌زند که ریشه در تمایلات تاریک دارند و شدت علائم وسواسی-جبری را افزایش می‌دهند (۱۶). بنابر نظر Malcolm و همکاران (۱۵) این علائم وسواسی-جبری افزایش یافته، به عنوان یک عامل اصلی، منجر به تشدید اختلال بدریخت‌انگاری بدن در کاربران اینستاگرام می‌شوند؛ زیرا ماهیت اصلی اختلال بدریخت انگاری بدن بر یک چرخه مداوم از وسواس و اجبار بنا شده است (۱۵). همسو با پژوهش Sun و Rieder (۲۷)؛ در این فرآیند، وسواس‌های فکری در مورد نقص فرضی ظاهر (که در اینستاگرام با مقایسه تقویت می‌شوند) فرد را مجبور به انجام اعمال جبری هدفمند، مانند واریسی طولانی‌مدت در آینه و تلاش مفرط برای پنهان‌سازی نقص‌ها، می‌کنند. این رفتارهای تکراری نسبت به ظاهر و بدن، نه تنها اضطراب را کاهش نمی‌دهند بلکه آن را تثبیت و تقویت کرده و در نتیجه، نارضایتی مرضی از تصویر بدن را عمیق‌تر می‌سازند (۲۷). این یافته که علائم وسواسی-جبری بر اختلال بدریخت انگاری بدنی اثر مستقیم و مثبتی دارند با مبانی آسیب‌شناسی روانی (۷) نیز همسویی دارد. در DSM-5-TR بیان شده است که شایع‌ترین اختلال همزمان برای اختلال بدریخت انگاری بدنی بعد از افسردگی و اضطراب اجتماعی، اختلال وسواسی-جبری است (۷).

نقش علائم وسواسی-جبری به عنوان میانجی در رابطه میان صفات تاریک شخصیت و اختلال بدریخت‌انگاری بدن در کاربران اینستاگرام بدین معناست که تأثیر مخرب تمایلات تاریک مستقیم نیست، بلکه از طریق تشدید این رفتارهای تکراری و آیین‌گونه اعمال می‌شود. به عبارت دیگر، صفات تاریک، با ایجاد نیاز به کنترل و حفظ

ظاهر در فضای مجازی، ابتدا زمینه‌ساز افزایش رفتارهای وسواسی می‌شوند و سپس این رفتارهای وسواسی (نظیر وارسی افراطی و پنهان‌سازی اجباری) هستند که به طور مستقیم، فرد را درگیر الگوهای فکری و رفتاری اختلال بدریخت‌انگاری بدنی می‌کنند.

یافته دیگر این مطالعه نشان داد که صفات تاریک شخصیت با واسطه‌گری کمال‌گرایی بر اختلال بدریخت‌انگاری بدن در کاربران اینستاگرام تأثیر می‌گذارد. در واقع با افزایش صفات تاریک شخصیت، کمال‌گرایی افراد نیز افزایش یافته و همین مسئله به نوبه خود منجر به بروز بدریخت‌انگاری بدنی در افراد وابسته به اینستاگرام می‌شود. این یافته با نتایج مطالعات قاسمی و همکاران (۱۹)، Sulistyو همکاران (۲۴)، افشار زاده و شیخ‌علیزاده (۲۰)، Ramos و همکاران (۲۵) و دستباز و همکاران (۹) همسویی دارد. این مطالعات نیز همراستا با مطالعه حاضر رابطه‌ای قوی میان صفات تاریک شخصیت، کمال‌گرایی و اختلال بدریخت‌انگاری بدن به دست آوردند.

در راستای تحلیل و تبیین این یافته پژوهش حاضر و با استناد به مطالعه Ramos و همکاران (۲۵) می‌توان بیان کرد که؛ صفات تاریک شخصیت به ویژه نارسیسیسم، از طریق نیاز ذاتی به حفظ تصویر بزرگ‌منشانه، برانگیخته شدن حس استحقاق و نیاز به تأیید عمومی، می‌توانند به طور مستقیم به افزایش کمال‌گرایی ناسازگار در فرد منجر شوند. فردی که دارای صفات تاریک است، استانداردهای بیرونی سخت‌گیرانه‌ای را برای خود تعیین می‌کند؛ نه لزوماً برای دستیابی به تعالی، بلکه برای جلوگیری از مورد انتقاد قرار گرفتن و حفظ برتری اجتماعی که لازمه‌ی خودشیفتگی است. این نیاز به حفظ ظاهر و پرهیز از هرگونه نقص که می‌تواند موقعیت یا تصویر خود-برترینانه فرد را تهدید کند، منجر به تلاش‌های مفرط و وسواس‌گونه برای بی‌نقص بودن در تمام جنبه‌های قابل مشاهده، به ویژه ظاهر و فعالیت‌های آنلاین، شده و در نهایت کمال‌گرایی ناسازگار را تشدید می‌کند (۲۵). همراستا با پژوهش Sulisty و همکاران (۲۴) کمال‌گرایی ناسازگار افزایش یافته در کاربران اینستاگرام، به دلیل تأکید افراطی بر استانداردهای غیرقابل دستیابی ظاهری، زمینه‌ساز قوی برای افزایش اختلال بدریخت‌انگاری بدن است (۲۴). کمال‌گرایی، فرد را به یک منتقد بیرحم داخلی تبدیل می‌کند که به طور وسواسی به دنبال هرگونه نقص یا ایراد در ظاهر خود است تا آن

را اصلاح کند؛ یک واکنش افراطی به ترس از نقص. در محیط بصری و مقایسه‌ای اینستاگرام، این کمال‌گرایی به صورت کمال‌گرایی ظاهر محور متجلی می‌شود، که در آن فرد استانداردهای زیبایی ویرایش‌شده را به عنوان هنجار پذیرفته و عدم انطباق با این استانداردهای آرمانی موجب بروز نارضایتی شدید، افکار نشخوارکننده درباره نقص‌ها و در نهایت، تثبیت علائم مرضی اختلال بدریخت‌انگاری بدنی می‌گردد (۲۴).

نقش میانجی‌گر کمال‌گرایی در رابطه بین صفات تاریک شخصیت و اختلال بدریخت‌انگاری بدن در کاربران اینستاگرام، نشان می‌دهد که صفات تاریک، مستقیماً منجر به بروز اختلال بدریخت‌انگاری بدنی نمی‌شوند، بلکه این کار را از طریق ایجاد و تقویت فیلتر کمال‌گرایی ناسازگار انجام می‌دهند. به عبارت دیگر، تمایلات تاریک شخصیت (مانند نیاز نارسیسیستی به تحسین و پرهیز از شرم) ابتدا فرد را به سمت یک سبک ارزیابی سخت‌گیرانه و غیرمنطقی (کمال‌گرایی) سوق می‌دهند. سپس، این کمال‌گرایی است که با دیکته کردن لزوم بی‌نقص بودن ظاهر در فضای مجازی، حساسیت فرد به نقص‌های ظاهری را چندین برابر کرده و زمینه را برای فراخوانی و تثبیت الگوهای فکری و رفتاری اختلال بدریخت‌انگاری بدن در کاربران اینستاگرام فراهم می‌سازد.

این مطالعه با محدودیت‌هایی نیز روبه‌رو بوده است. از مهم‌ترین محدودیت‌های مطالعه حاضر استفاده از روش نمونه‌گیری دردسترس بود. همین مسئله می‌تواند در تخمین اثرات واقعی سوگیری ایجاد کند. همچنین انجام نشدن مصاحبه بالینی برای سنجش علائم وسواسی-جبری و اختلال بدریخت‌انگاری بدنی و استفاده از پرسشنامه‌های خودگزارشی یکی دیگر از محدودیت‌های این پژوهش بود. این مسئله می‌تواند پاسخ‌های شرکت‌کنندگان را به دلیل سوگیری مطلوبیت اجتماعی به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه تغییر دهد. با این وجود؛ مطالعه حاضر به این نتیجه رسید که صفات تاریک شخصیت با میانجی‌گری علائم وسواسی-جبری و کمال‌گرایی بر اختلال بدریخت‌انگاری بدنی کاربران اینستاگرام تأثیر دارند

نتیجه‌گیری

به صورت کلی می‌توان نتیجه گرفت که صفات تاریک شخصیت با میانجی‌گری علائم وسواسی-جبری و

متین تفنگچی و همکاران

کمال‌گرایی و افکار و رفتارهای وسواسی برای افرادی که از اختلال بدریخت‌انگاری بدنی در نوجوانان هستند و یا وابستگی زیادی به شبکه‌های اجتماعی مجازی و به خصوص اینستاگرام دارند، توصیه می‌گردد. همچنین؛ متخصصین باید با آموزش سواد رسانه‌ای و انتقادی، به مراجعین کمک کنند تا محتوای اینستاگرام را با دیدی شکاک و واقع‌بینانه تجزیه و تحلیل نمایند. این آموزش شامل درک نحوه عملکرد فیلترها و الگوریتم‌ها و به چالش کشیدن مفهوم «واقعیت آرمانی» است که توسط این پلتفرم‌ها ترویج می‌شود، تا مقایسه‌های اجتماعی صعودی کاهش یابند و در نهایت احتمال بروز اختلال بدریخت‌انگاری بدنی کمتر شود.

سیاسگزاری

این مطالعه با اخذ تاییدیه کمیته اخلاق با کد IR.IAU.CTB.REC.1404.05 از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی انجام شد. بدین وسیله از تمامی دست‌اندرکاران و آزمودنی‌های محترم که ما را در انجام این پژوهش یاری نمودند کمال تشکر و قدردانی را داریم.

تضاد منافع

هیچگونه تعارض منافی بین نویسندگان مقاله وجود ندارد.

References

1. Ko C, Baek H. Effects of emotional expression on user engagement in virtual influencers' Instagram posts: A comparative analysis with human influencers. *Journal of Retailing and Consumer Services*. 2026 Jan 1;88:104484. <https://doi.org/10.1016/j.jretconser.2025.104484>
2. Quilghini F, Giannotta F, Settanni M, Marengo D. Is it the Sharing, or the checking? Exploring the role of Instagram story views checking behavior in psychological well-being—a person oriented approach. *Current Psychology*. 2026 Jan;45(1):17. DOI:[10.1007/s12144-025-08790-z](https://doi.org/10.1007/s12144-025-08790-z)
3. Smoleń J. Instagram in the process of shaping attitudes towards one's own body. *Journal of Modern Science*. 2025;61(1):560-70. DOI:[10.13166/jms/202699](https://doi.org/10.13166/jms/202699)
4. Senín-Calderón C, Perona-Garcelán S, Rodríguez-Teštal JF. The dark side of Instagram: Predictor model of dysmorphic concerns. *International Journal of Clinical and*

کمال‌گرایی بر اختلال بدریخت‌انگاری بدنی در کاربران اینستاگرام تاثیر می‌گذارند. به بیان دیگر؛ افزایش صفات تاریک شخصیت منجر به افزایش علائم وسواسی-جبری و کمال‌گرایی شده و همین مسئله نهایتاً باعث بروز علائم اختلال بدریخت‌انگاری بدنی در کاربران اینستاگرام می‌گردد.

توصیه می‌شود که در پژوهش‌های آتی و مشابه از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی استفاده شود. پیشنهاد می‌گردد که برای اندازه‌گیری علائم وسواسی-جبری و بدریخت‌انگاری بدنی در کنار استفاده از پرسشنامه‌ها، حتماً از مصاحبه بالینی نیز بهره گرفته شود تا اندازه‌گیری دقیق‌تری از میزان این اختلالات صورت گیرد.

روان‌شناسان بالینی می‌توانند نتایج این مطالعه را در جهت کاهش اختلال بدریخت‌انگاری بدنی در افراد وابسته به فضای مجازی و به خصوص اینستاگرام به کار ببرند. در همین راستا؛ این متخصصان می‌توانند توجه ویژه‌ای به صفات تاریک شخصیت این مراجعین داشته باشند، راهکارهایی در خصوص کاهش کمال‌گرایی ناسازگار ارائه دهند و بر کاهش علائم وسواسی-جبری این افراد نیز تمرکز کنند. افزون بر این؛ طراحی و برگزاری کارگاه‌های حضوری (مثلاً در فرهنگ‌سراها) در جهت کاهش

Health Psychology. 2020 Sep 1;20(3):253-61.

DOI: [10.1016/j.ijchp.2020.06.005](https://doi.org/10.1016/j.ijchp.2020.06.005)

5. Ravindran L, Ravindranath P. Instagram and Body Dysmorphia. In *Ethical Marketing Through Data Governance Standards and Effective Technology 2024* (pp. 119-129). IGI Global. DOI:[10.4018/979-8-3693-2215-4.ch011](https://doi.org/10.4018/979-8-3693-2215-4.ch011)
6. Gholami S, Omidi Moghadam E, Ghadampour E, Bayat Mazlaghani M. Psychometric Properties of the Revised Yale-Brown Obsessive Compulsive Disorder Scale for Body Dysmorphic Disorder in Transgenders. *IJPN* 2025; 13 (1): 79-92. [Persian] DOI: [10.22034/IJPN.13.1.79](https://doi.org/10.22034/IJPN.13.1.79)
7. American Psychiatric Association. *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders, Fifth Edition, Text Revision (DSM-5-TR)*. Washington, DC: American psychiatric association. 2022.
8. Mancin P, Gaudenzi V, Telesca R, Centofanti D, Bartoletti E, Cerea S. Exploring Snapchat Dysmorphia, Body Dysmorphic Disorder Symptoms, and Body Trust in Patients Seeking

- Aesthetic Medicine Procedures. *Aesthetic Surgery Journal*. 2025 Sep 16:sjaf185. DOI: [10.1093/asj/sjaf185](https://doi.org/10.1093/asj/sjaf185)
9. Daştbaz A, Mohammadi R, Ahadi S, Haidarian M. Prediction of body deformity disorder based on personality traits and cognitive distortions with the mediating role of emotion regulation difficulty in female students. *Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry*. 2024; 10(6): 108-124. [Persian] DOI: [10.32598/shenakht.10.6.108](https://doi.org/10.32598/shenakht.10.6.108)
 10. Diener E, Lucas RE. Personality traits. *General psychology: Required reading*. 2019;278:3. <https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=3656161>
 11. Jones DN, Paulhus DL. Introducing the short dark triad (SD3) a brief measure of dark personality traits. *Assessment*. 2014 Feb;21(1):28-41. DOI: [10.1177/1073191113514105](https://doi.org/10.1177/1073191113514105)
 12. Borráz-León JI, Rantala MJ, Cerda-Molina AL, Maestripieri D. Dark Triad traits and depression symptoms in non-clinical populations: A pre-registered systematic review and meta-analysis. *Personality and Individual Differences*. 2025 Dec 1;247:113417. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2025.113417>
 13. Morelli M, Urbini F, Bianchi D, Baiocco R, Cattelino E, Laghi F, Sorokowski P, Misiak M, Dziekan M, Hudson H, Marshall A. The relationship between dark triad personality traits and sexting behaviors among adolescents and young adults across 11 countries. *International journal of environmental research and public health*. 2021 Mar 4;18(5):2526. DOI: [10.3390/ijerph18052526](https://doi.org/10.3390/ijerph18052526)
 14. Barlett CP. Exploring the correlations between emerging adulthood, Dark Triad traits, and aggressive behavior. *Personality and Individual Differences*. 2016 Oct 1;101:293-8. DOI: [10.1016/j.paid.2016.05.061](https://doi.org/10.1016/j.paid.2016.05.061)
 15. Malcolm A, Labuschagne I, Castle D, Terrett G, Rendell PG, Rossell SL. The relationship between body dysmorphic disorder and obsessive-compulsive disorder: A systematic review of direct comparative studies. *Australian & New Zealand Journal of Psychiatry*. 2018 Nov;52(11):1030-49. DOI: [10.1177/0004867418799925](https://doi.org/10.1177/0004867418799925)
 16. Tolan ÖÇ. The Mediating Role of Dark Triad Personality Traits in the Relationship between Childhood Traumas and Obsessive Beliefs. *International Journal of Contemporary Educational Research*. 2023 Jun;10(2):424-394. <https://doi.org/10.52380/ijcer.2023.10.2.356>
 17. Stein DJ, Coşta DL, Lochner C, Miguel EC, Reddy YJ, Shavitt RG, van den Heuvel OA, Simpson HB. Obsessive-compulsive disorder. *Nature reviews Disease primers*. 2019 Aug 1;5(1):52. DOI: [10.1038/s41572-019-0102-3](https://doi.org/10.1038/s41572-019-0102-3)
 18. Elsouri KN, Heiser SE, Cabrera D, Alqurneh S, Hawat J, Demory ML, Demory-Beckler M. Management and treatment of obsessive-compulsive disorder (OCD): a literature review. *Cureus*. 2024 May 17;16(5). DOI: [10.7759/cureus.60496](https://doi.org/10.7759/cureus.60496)
 19. Ghasemi N, Janghorban M, Mohammadi N. Predicting the level of body dysmorphic disorder based on neurotic perfectionism, self-compassion and anxiety sensitivity in Esfahan University students. *Second National Conference on Psychology and Health*. 2020. [Persian] <https://civilica.com/doc/1160827/>
 20. Ashrafzade T, Sheikhalizadeh S. Causal Explanation of Girls' Perfectionism Based on the Dark Traits of Personality, Contingent Self-Worth and Academic Self-Efficacy. *Women Social and Psychological Studies*. 2023; 21(2): 39-48. [Persian] DOI: [10.22051/jwsp.2023.41294.2664](https://doi.org/10.22051/jwsp.2023.41294.2664)
 21. Bradford G. Perfectionism. In *The Routledge handbook of philosophy of well-being 2015* Jul 30 (pp. 124-134). Routledge. <https://philarchive.org/rec/BRAP-33>
 22. Kim H, Madigan DJ, Hill AP. Multidimensional perfectionism and sport performance: a systematic review and meta-analysis. *International Review of Sport and Exercise Psychology*. 2025 Aug 9:1-34. <https://doi.org/10.1080/1750984X.2025.2541342>
 23. Philpot N, Donachie TC. Perfectionism and psychological distress in university students: The role of mistake rumination. *Personality and Individual Differences*. 2025 Nov 1;246:113368. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2025.113368>
 24. Suliştyo PT, Sukamto ME, Ibrahim N. Social media pressure and the body dysmorphic disorder tendency in women: The mediating role of perfectionism. *Psikohumaniora: Jurnal Penelitian Psikologi*. 2022 Nov 30;7(2):137-52. <https://doi.org/10.21580/pjpp.v7i2.10637>
 25. Ramos-Vera C, Calle D, Olivera-Cercado R,

- Oblitas-Guerrero SM, Távara GL, Saintila J. Dark triad personality traits and perfectionism in Peruvian university students: a network analysis. *BMC psychology*. 2025 Nov 7;13(1):1235. DOI: [10.1186/s40359-025-03577-0](https://doi.org/10.1186/s40359-025-03577-0)
26. Zhang L, Takahashi Y. Relationships between obsessive-compulsive disorder and the big five personality traits: A meta-analysis. *Journal of Psychiatric Research*. 2024 Sep 1;177:11-23. <https://doi.org/10.1016/j.jpsychires.2024.06.033>
 27. Sun MD, Rieder EA. Obsessive compulsive disorder and body dysmorphic disorder in the cosmetic patient. *Essential psychiatry for the aesthetic practitioner*. 2021 May 7:157-67. DOI:[10.1002/9781119680116.ch15](https://doi.org/10.1002/9781119680116.ch15)
 28. Kline RB. Principles and practice of structural equation modeling. Guilford publications; 2023 May 24.
 29. Phillips KA, Hollander E, Rasmussen SA, Aronowitz BR. A severity rating scale for body dysmorphic disorder: development, reliability, and validity of a modified version of the Yale-Brown Obsessive Compulsive Scale. *Psychopharmacology bulletin*. 1997;33(1):17. <https://psycnet.apa.org/record/1997-03978-003>
 30. Goodman WK, Price LH, Rasmussen SA, Mazure C, Delgado P, Heninger GR, Charney DS. The yale-brown obsessive compulsive scale: II. Validity. *Archives of general psychiatry*. 1989 Nov 1;46(11):1012-6. DOI: [10.1001/archpsyc.1989.01810110054008](https://doi.org/10.1001/archpsyc.1989.01810110054008)
 31. Goodman WK, Price LH, Rasmussen SA, Mazure C, Fleischmann RL, Hill CL, Heninger GR, Charney DS. The Yale-Brown obsessive compulsive scale: I. Development, use, and reliability. *Archives of general psychiatry*. 1989 Nov 1;46(11):1006-11. DOI: [10.1001/archpsyc.1989.01810110048007](https://doi.org/10.1001/archpsyc.1989.01810110048007)
 32. Jonason PK, Webster GD. The dirty dozen: a concise measure of the dark triad. *Psychological assessment*. 2010 Jun;22(2):420. <https://doi.org/10.1037/a0019265>
 33. Ghomrani A, Samadi M, Taghinejad M, Shamsi A. Psychometric indicators of the Dark Personality Scale in students. *Psychological Methods and Models*. 2015; 6(20): 73-85. [Persian] DOR: [10.1.22285516.1394.6.20.5.2](https://doi.org/10.1.22285516.1394.6.20.5.2)
 34. Rachman SJ, Hadson RJ. Obsessive-Compulsive. Englewood cliffs. New Yourk. 1980. <https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=138825>
 35. Abolghasemi A, Narimani M. Psychological Tests. Bagh-e-Rezvan Publications. 2006. [Persian].
 36. Dadfar M, Bolhari J, Dadfar K, Bayanzadeh S A. Prevalence of the obsessive-compulsive disorder symptoms. *IJPCP* 2001; 7 (1 and 2): 27-33. [Persian] URL: <http://ijpcp.iums.ac.ir/article-1-1963-fa.html>
 37. Hewitt PL, Flett GL. Perfectionism in the self and social contexts: conceptualization, assessment, and association with psychopathology. *Journal of personality and social psychology*. 1991 Mar;60(3):456. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.60.3.456>
 38. Babamohammadi M, Sabahi P, Najafi M. The Comparison of Perfectionism, Self-Compassion and Proactive Coping in Student with Positive and Negative Possible Selves. *Social Cognition*. 2020; 9(18): 9-26. [Persian] <https://doi.org/10.30473/sc.2020.54030.2570>
 39. Besharat MA. Multidimensional Perfectionism Scale. Questionnaire, Method of Administration and Scoring. *Developmental Psychology*. 2024; 20(80): 463-465. [Persian] <https://sanad.iau.ir/Journal/jip/Article/1205347>